

نگاهی گذرا به مدارس دیروز تا دانشگاه های فردا

(معماری دانشگاه اسلامی)

محمد هادی عرفان

تاریخ نگارش: دیماه ۱۳۷۷

ویراستاری و آماده سازی برای سایت فروردین ۱۳۹۰

مدرسه های علمیه در ایران اسلامی:

با ورود دین مبین اسلام به ایران، و پذیرش و استقبال عمومی نسبت به این دین جدید، تاکیدات دین در مورد علم و تعلیم و دانش اندوزی نیز در ایران و سایر ممالک اسلامی در دهه های آغازین تشکیل حکومت وسیع مسلمانان، منجر به گسترش مکتب ها، تشکیل محلهایی برای تدریس دانش آموزان شد.

بنا به روایتی پیامبر اکرم از حضور انبوه کودکان در مسجد ناخشنود بودند، چه آنها از در و دیوار بالا میروند و پروایی از ناپاکیها ندارند... پس برای آموختن به آنان، دکانهایی در کوچه ها و کناره بازارها گرفته میشود و به این ترتیب خیلی زود مراکز آموزشی کودکان یا همان مکاتب در فرهنگ شهرهای اسلامی نهاده شده میشود. حتی در تاریخ به مکتب هایی با بیش از ۳۰۰۰ دانش آموز بر می خوریم.^۱

کالج ها یا همان مدارس علمیه، به مرور در کنار مساجد نضج گرفت. ریشه های ایجاد این مدارس، کرسی های متعدد تدریس بود که در مساجد مختلف جهان اسلام وجود داشت و بعضی هم بسیار مهم بودند. مسجد جامع دمشق، جامع منصور (بغداد)، جامع عمرو (مصر)؛ همگی از این دسته اند. با گسترش علوم و همراه با نهضت ترجمه، علوم نظیر پزشکی هم در مساجد تدریس می شد و این باعث مهاجرت گسترده طلاب جوان به اطراف و اکناف سرزمین پهناور اسلامی می شد. به تدریج و بر همین اساس ضرورت تأمین خوابگاه و محل سکنا برای طلاب احساس شد.

^۱ - ضحاک بن مزاحم نحوی معروف این مکتب را در سالهای پایانی قرن اول هجری در کوفه اداره میکرد.

لذا به تدریج خان‌هایی در کنار مساجد پدید آمد که پذیرای دانشجویان و استادان به هنگام فراغت بود. سرانجام در پی این فرآیند نسبتاً طولانی طی دو-سه قرن اولیه هجری است که شاهد ایجاد مدارس مستقل هستیم. مدارس که از همه نظر با داشتن موقوفات متعدد و گاه فراوان رونق به سزایی داشته‌اند.^۲

در قرن چهارم هجری شاهد مدارس معروفی در شرق و در ایران هستیم. در نیشابور مدرسه‌ای معروف توسط الصائغ نیشابوری تأسیس می‌گردد. مدرسه ابوالقاسم قشیری، رکن الدین اصفهانی نیز در قرن پنجم ساخته شد. مهمترین مدرسه غرب جهان اسلام هم در نیمه دوم قرن چهارم تأسیس شد. این مدرسه؛ الازهر نام دارد. این حرکت توسط دولت شیعی فاطمیون در مصر انجام شد و پیشگامی شیعیان در آغاز جهش علمی باعث واکنش نسبتاً سریع خواجه نظام الملک - که از مخالفان شیعیان اسماعیلی بود - شد. لذا در قرن پنجم شاهد گسترش نظامیه‌ها در قرن پنجم هستیم. به ظن قوی قریب یازده مدرسه معروف به نظامیه در شهرهای بغداد، نیشابور، اصفهان، آمل، بصره، بلخ، جزیره ابن عمر (شمال بصره)، خرگرد خواف، مرو، موصل و هرات ساخته شده است. از مدارس قرن هفتم میتوان به مدرسه معصومیه بیرجند اشاره داشت که هنوز هم فعال و طلبه پرور است. از مدارس قرن نهم میتوان به مدارس پریزاد و دودر در مجاورت روضه مبارکه حضرت رضا(ع) نام برد. در قرن یازدهم نیز مدارس متعددی در مشهد تأسیس شده که از آن جمله می‌توان به مدارس خیرات خان، عباسقلی خان، میرزا جعفر، نواب، حاج حسن، فاضل خان و پایین پا اشاره کرد.

نقش مدارس علمیه در بطن جریانهای سیاسی و اجتماعی ایران اسلامی در قرون متمادی قابل بررسی است. با نزدیک شدن به سالهای اخیر و آغاز انقلاب اسلامی شاهد نقش مهم و فراگیر مدارس علمیه و نیز دانشگاه در هماهنگی مردمی قیامها و در ابلاغ پیامهای امام خمینی (ره) به بدنه حرکت اجتماعی انقلاب هستیم.

پس از انقلاب اسلامی، شعار پیوند حوزه و دانشگاه مطرح گردید که شاید بتوان گفت با گذشت سالها از انقلاب اسلامی این امر بصورت درخور و شایسته‌ای تحقق نیافته است.

بخشهای کالبدی مدارس علمیه :

مدارس علمیه با تاثیرپذیری از نوع پرورش نیرو به نوعی متفاوت از معماری دست یافته‌اند که شناخت اجزای این نوع از معماری بصورت اجمالی ضروری مینماید. برخی از مهمترین و مرسوم ترین فضاهای معماری در مدارس علمیه بشرح زیر است:

۲ - گاه چندین پارچه آبادی وقف تنها یک مدرسه می‌شد.

حجره: هر حجره عمدتاً نقش یک واحد نسبتاً مستقل معماری را دارد. و شامل یک ایوانچه و یک پستو بوده و گاه در دو طبقه مشتمل بر انباری و آشپزخانه ای محقر در طبقه پایین و محلی آرام و بی سرو صدا برای مطالعه در طبقه فوقانی بوده است. حجره ها یک نفره و گاه سه نفره بوده و معمولاً حجره ها دونفره نیستند. همه حجره ها برگرد حیاطی مرکزی ساخته می‌شده است. این نوع از چیدمان علاوه بر همگرایی بصری همه غرفه ها رو بسوی حیاط، ارتباط حجره را با دنیای بیرون قطع مینماید و نیز امکان نظارت مستمر را از حیاط به حجره فراهم می‌سازد. حجره ها هیچکدام دری به بیرون ندارند. معمولاً طلبه های سالهای بالا مانند طلبه های دروس خارج بیشتر در همان فضاهای طبقه اول درس می‌خوانند و ارتباط کمتری با سایر طلبه ها داشته اند.

البته استثنائاتی هم وجود دارد. مثلاً در مدرسه چهار باغ اصفهان ایوانچه های جلوی حجره ها کارکرد راهروی بین حجره ها را هم دارد و گاه بهم وصل است. و پستوها همه در انتهای حجره هاست. حجره ها عموماً شامل فضاهای زیر است:

ایوانچه ورودی- اتاق اصلی (که شامل تاقچه ها و اجاقهای کوچک هم هست) - پستو - طبقه اول (فضای مطالعه)

مدرس: فضای درسی و ایراد سخنرانیهای استادان است. هر مدرسه معمولاً بیش از یک مدرس دارد. البته گاه در پلان و نقشه با وجود داشتن تنها یک مدرس موضوع به خوبی حل شده و فضا همچنان متقارن و متعادل است. به عنوان مثال در مدرسه غیاثیه خرگرد خواف در سمت چپ راهروی ورودی مدرسه، مدرس قرار دارد و قرینه مدرس، در سمت راست راهرو نمازخانه مدرسه قرار دارد.

بسیاری از مدارس دو، سه و یا تعداد بیشتری مدرس دارند. مدرسه خان دارای پنج مدرس بود که یکی از آنها مخصوص و کرسی ملاصدرا بود. در معماری مدرس، محل استاد اندکی از دیگران بالاتر است. که معمولاً بین ۱۵ تا ۲۵ سانتیمتر است. و عموماً نورپردازی به گونه ایست که لکه ها و اشعه های نور مستقیم داخل مدرس نیفتد. و روشنایی جایگزین نور مستقیم شده است. نکته مهم دیگر، طراحی مناسب مدرسه ها از نظر تکنیک صدارسانی و صوت است. معماری مدرس به گونه ایست که صدا در آن نپیچد و پدیده پژواک ایجاد نشود. نوع نازک کاری و طراحی تزیینات در این امر احتمالاً موثر است. حضور طلبه ها فی نفسه باعث کاهش انعکاس و بازتابش امواج صوتی میشود و از سوی دیگر صدا به نحوی گسترده میشود که صدا به وضوح تا انتهای مدرس و دورترین نقطه از استاد هم برسد. احتمالاً تزیینات؛ مفرس ها، رسمی بندی و یزدی بندیها در این سیستم اکوستیک موثرند.

کتابخانه: کتابخانه ها به عنوان محل رجوع دائمی طلاب جوان و مشتاق و پژوهشگران فاضل و عمیق، همیشه جایگاهی خاص در مدرسه ها داشته است. در عصر درخشش تمدن اسلامی و سده های سوم تا هفتم وجود کتابخانه های عظیم در شهرها، نیاز هم از جمله طلاب را برآورده میساخت. اما با افول نهضت علمی مسلمانان، مشعل علم و دانش برای قرن ها تنها در مدارس علمیه روشن ماند. به همین خاطر این کتابخانه ها جزو ذخایر ارزشمند و بخش جدانشدنی مدارس علمیه شدند. و این امر تنها به ایران محدود نشد. در شام و در کنار مسجد الاقصی مدرسه نصریه در بالای باب الرحمه قرار داشت. نخستین اسناد حکایت از وجود کتابخانه این مدرسه در زمان تعمیر آن به سال ۶۱۰ هجری قمری - ۱۲۱۳ م دارد. از دیگر مدارس این منطقه مدرسه نهالویه بوده است که بسال ۶۰۴ هجری قمری - ۱۲۰۷ م به دست شاه عیسی ایوبی بنا شد و گرد علی از کتابخانه بزرگ این مدرسه در نوشته های خود یاد کرده است. کتابخانه مدرسه فارسیه بزرگتر بود. این کتابخانه را شاهزاده ای ایرانی بنام البکی در بخش شرقی مسجد آن بنا کرد که نزدیکترین مخزن کتاب به مسجد الاقصی بود. چهارمین کتابخانه مدرسه در این منطقه کتابخانه مدرسه اشرفیه بود. که ظاهراً در حدود سالهای ۸۸۷ هجری قمری - ۱۴۸۲ م ساخته شده است. پیرامون مسجد اموی دمشق نیز به عنوان یک مرکز مهم و قدیمی در پیرامون خود شبیه همین مدارس ایجاد شده اند. کتابخانه مدرسه سمیساطیه ۸۲۴ هجری قمری - ۱۴۲۱ م در نزدیکی در جنوبی مسجد (باب العماره) قرار داشته است.

در کنار مسجد الحرام به عنوان قطب عالم اسلام نیز مدارس دارای کتابخانه های بزرگی بوده اند. کتابخانه مدرسه شراییه ۶۳۲ هجری قمری - ۱۲۳۳ م، کتابخانه مدرسه قایتبای^۳ ۸۸۲ هجری قمری - ۱۴۷۷ م و کتابخانه سلیمانیه قرن ۱۳ هجری - قرن ۱۹ م از جمله این مدرسه ها هستند.

در سرزمین عراق هم که مهد تمدن اسلامی است گزارشهای تاریخی به مدارس و کتابخانه هایشان اشاره دارد. از جمله این مدارس می توان به مسجد و مدرسه مرجانیه ۷۶۰ هجری قمری - ۱۳۵۸ م اشاره کرد.

در مصر، مسجد - مدرسه الازهر با قدمتی هزار ساله مشهور خاص و عام است. در سال ۱۹۴۳ م کتابخانه این مدرسه تنها بیش از ۲۴۰۰۰ نسخه کتاب خطی داشت. در حالیکه همین کتابخانه تنها در زمان حاکمیت الحاکم خلیفه فاطمی در قرن ۴ هجری قمری بیش از ۵۰,۰۰۰ جلد کتاب هدیه حکومتی دریافت کرده است و در فهرست برداری سال ۱۹۵۰، شمار کتابهای آن به ۱۰۰,۰۰۰ جلد رسید.

در ایران، سرزمین علم و دانش نیز عموماً فضاهای خاصی برای کتابخانه در مدارس تخصیص می یافت به طوری که معمولاً در چهارگوشه صحن مرکزی کتابخانه، مدارس، مسجد و سرویسهای بهداشتی قرار داشت. مانند مدرسه فخریه سبزوار که قدمت طیادی دارد و اصل بنا متعلق به دوره فخر الدوله دیلمی است.

^۳ - این مدرسه به تنهایی دارای ۱۰ سالن بزرگ سخنرانی و ۷۲ حجره بود.

مسجد: مدارس علمیه عموماً در کنار یک کسجد بطور همزمان و یا در زمانهای متفاوت و توسط اشخاص مختلف ساخته می شد. گاه نیز مسجد در مدرسه یا مدرسه در مسجد ادغام می شده است. مثال هایی از این دست را می توان در نمونه های موجود هم یافت. مدارس پیرامون مسجد اموی یا مسجد -مدرسه های ایرانی مانند مسجد ساروتقی و مدرسه محمد علی نجفی که در کنارهم قرار دارند. مدرسه های دو در ، میرزا جعفر و سایر مدارس که در طول زمان برگرد حرم مطهر رضوی در مشهد ساخته شده است. مسجد-مدرسه آقا بزرگ کاشان نمونه هایی از ترکیب مدرسه و مسجد است. نمونه هایی دیگری که نمازخانه های کوچک در یک مدرسه وجود دارد مانند غیاثیه خرگرد هم در بخشهای قبلی به آن اشاره شد.

سرویسهای بهداشتی: در مدارس عادی ، سرویسها در گوشه ای و در یکی از کنجهای صحن معمولاً احداث میشد. اما در مدرسی که با هزینه بیشتر ساخته می شد، سرویسها خارج از مدرسه ساخته می شد و طلاب نیز لباسهایشان را خارج مدرسه می شستند.

حیاط مرکزی : این حیاط که عموماً کت بندی شده و دارای اشجار زیبا و آب نما بود. محل بحثهای دوفری در حال قدم زدن میان کرتها و باعث آرامش روانی و عدم دلتنگی طلاب از اقامت در یک فضای محدود و بسته بود، نکته مهم در این حیاطها تناسب ارتفاعی اضلاع و تناسب طول و عرض حیاط بوده که موجب نوعی زیبایی بصری و احساس آرامش روانی می شده است. که نمونه آن شامل همه فرهنگ معماری می شود. مانند تناسب دلنشین حسینیه شوکتیه بیرجند و مسجد آقا بزرگ کاشان و...

شاه نشین: این قسمت محل اقامت مدیر مدرسه و در واقع عالم ترین استاد و سرپرست مدرسه بوده است که هم از آنجا به مدرسه نظارت داشته ؛ و هم به علت دارا بودن کیفیت فضایی بهتر ؛ از میهمانان در همین محل پذیرایی میشده است. در مناطق کویری ایران گاه بادگیر زیبایی بر فراز این قسمت قرار داشته که هوای مطبوعی را در آنجا به جریان می اندازد.

ویژگیهای معماری اسلامی مدارس علمیه :

حکمتها و نکات معنادار در معماری اسلامی مدارس علمیه ؛ به تدریج طی قریب به هزار سال تبدیل به پشتوانه حکمی معماری مدارس جهان اسلام شد. این اصول در عین سادگی ، برگرفته از روح آسمانی دین است و به علاوه کاربرد فضا را در جهت نیازهای کاربران به نحو چشمگیری بهبود میدهد. پر واضح است که این بحث امری تخصصی است و با تصور ساده لوحانه عوام که امروزه معماری اسلامی را مترادف کاشی یا گنبد میدانند عمیقاً تفاوت دارد چرا که به زعم نگارنده ؛ معماری توحیدی مدارس علمیه اسلامی روحی غیروابسته به تکنیکها و مصالح دارد و لذا توانسته است از گذر زمان و نو و کهنه شدن سبکها بگذرد و جوهر معماری را به نمایش گذارد.

مبانی معماری اسلامی مدارس علمیه

برخی از این اصول بشرح زیر است:

۱. تقارن: تقارن به عنوان یکی از اصول اساسی بناهای ایرانی خصوصا بناهای مذهبی مطرح است. در مدارس نیز تقارن (عمودی و افقی) اکثرا رعایت شده است و کمتر مدرسه ای را میبینیم که از تقارن - یا تعادل - بی بهره باشد. این تقارن شامل سه نوع است:

۱ - ۱ تقارن در پلان: پلانها و تصویر ساختمان بر صفحه افقی اکثر نسبت به یک یا دو محور قرینه است و گاه محور همان خطی است که از قبله می گذرد.

۱ - ۲ تقارن عمودی در نما: نمای هر ضلع از بنا در حیاط مرکزی عموما قرینه با نمای روبروی خود است و خود آن نیز، نیمه راست و چپ آن با هم قرینه است و شامل یکسری حجرات و ایوان بزرگی در مرکز ضلع است.

۱ - ۳ تقارن افقی در نما: در بسیاری از مدارس، با توجه به اهمیت و معنای آب در معماری اسلامی ایرانی؛ نوعی تقارن افقی بر محور سطح آب ایجاد میشود. و آب نما در میانه صحن مرکزی مدرسه منعکس کننده تصویر واژگون ساختمان است.

۲ - هماهنگی با محل: اصولا در معماری اسلامی، بافت شهرهای اسلامی ما بافتی ارگانیک است. و همه ریزبافتها سعی در انسجام و کارکرد زنده بافت دارند. در این گونه بافتهای شهرهای قدیمی مانند یزد، نائین، کاشان، اصفهان، بیرجند و شیراز در ایران یا قیروان در آفریقای شمالی؛ دمشق در سوریه، بغداد در عراق و... هنوز هم نمونه های کم و بیش دستخورده آن موجود است. همکاری و همزیستی و هم افزایی کارکردی مسجد، مدرسه و بازار در این بافتها قابل توجه و بررسی است. بنابراین در حال حاضر ما کمتر شاهد مدارس مجزای از بافت و جدای از قسمت شلوغ و زنده شهر هستیم در حالیکه شهرکهای دانشگاهی عموما در بسیاری از کشورها و خصوصا در کشورما، به دلایل اقتصادی، سیاسی و... دور از شهر و با فاصله از قسمت شلوغ شهر ساخته شده است.

برخی از این دلایل بشرح زیر است:

۱) وجود دانشگاه و قشر دانشجویه عنوان هشیارترین و آگاه ترین قشر جامعه، برای رژیمهای حاکم در کشورها می تواند جنجال آفرین و خطرناک باشد کمااینکه مرکزیت دانشگاه تهران در سازماندهی انقلاب اسلامی در پایتخت امری روشن است. بنابراین در بسیاری از کشورها، خصوصا در جهان سوم دانشگاهها بصورت شهرک و در حومه شهر ساخته می شوند.

(۲) دانشگاهها - بر خلاف مدارس علمیه - متکی به وقف نیستند به همین خاطر بایستی متکی به سرمایه گذاری دولتی و یا احتمالاً بخش خصوصی باشند و آنها هم به علت صرفه اقتصادی زمینهای ارزان قیمت حومه شهر را بر می گزینند.

(۳) دانشگاهها در کشور ما سیستمی مرتبط با دولت دارند اما مدارس علمیه این چنین حالتی ندارند و جایگاه مشخصی در توسعه شهری ندارند.

(۴) وحدت در عین کثرت: حجم و فضای مدرسه در کل دارای یک ارزش بوده است و تمامی شناسه ها و عناصر و نمادها هم همه به آن ارزش اشاره می کنند. و آن توحید است. هرگز قسمتی از بنا بخاطر تزیینات فوق العاده یا با بهم زدن تناسبات و یا هر دلیل دیگر، سایر قسمتها را تحت الشعاع قرار نمی داده است. وحدت بنا با بافت چنان به اوج میرسید که کمتر تمایزی بین بافت و مدارس علمیه وجود داشته است. ولی این اصل در معماری هیچ دانشگاهی به طور قطعی قابل اثبات نیست.

(۵) کثرت در عین وحدت: وحدت مذکور هرگز بهانه از دست رفتن هویت مجزای ریزفضاها نبوده است. حجره ها ریتم زیبایی دارند. تزیینات در اکثر مدارس وجود دارد. به عنوان مثال مدارس اصفهان بیشتر به یک باغ باصفا شبیه اند. و درختان قدیمی و سیرکولاسیون آب از مدارس بناهایی دیدنی ساخته است. در معماری مدارس علمیه هر فضا با چیدمانی حکیمانه به فضاها مجاور قفل و بست شده است اما در اغلب مدارس علمیه نوین حتی رعایت مسایل ظاهری معماری هم کمکی به فقر جدی مدارس از تناسبات عمیق معماری ایرانی نمی کند. مدرسه آیه ا... خوبی در مشهد با حیاطی کوچک، دیوارهایی بلند و فضاهایی بسته و تاریک و گنبدی بزرگ و نامتناسب نمونه مدارس نوساز خالی از جوهره معماری ایرانی است. این اصل هم ردپایی در معماری فضای امروز دانشگاه های ایران ندارد.

(۶) رواج ایهام به عنوان یکی از جذابیت های هنر ایرانی در معماری مدارس: تعداد فضاها در برخی مدارس اواخر دوره اسلامی خود؛ نشانه ای از تقدس اعداد در فرهنگ ایرانی اسلامیست. به عنوان مثال تعداد حجره های مدرسه خان شیراز ۹۲ عدد است که به حروف ابجد معادل اسم مبارک حضرت محمد (ص) است. و یا تعداد اتاقهای مدرسه به همراه اتاقهای درس خارج عدد ۱۱۰ میشود که معادل نام حضرت علی (ع) در حروف ابجد است. و اگر تعداد اتاقهای گاه شناس، خادم، چراغدار و مؤذن را به آنها بیفزاییم به عدد ۱۱۴ میرسیم که تعداد سوره های قرآن مجید است.

دانشگاه و محیطهای دانشگاهی:

دانشگاه های امروز ایران؛ در واقع نه کاملاً دانشگاهی غربی است و نه کاملاً غیر غربی. سیستم آکادمیک ایران قدمتی هفتاد ساله دارد. و از ویژگیهای نسبی آن نظم علمی و تقسیم بندی عرفی زمانی سیستم

ترمی - تحصیلات است. از سویی دیگر ایجاد پردیس ها و مجموعه های دانشگاهی در ایران مانند پردیس فردوسی مشهد ، باهنر کرمان ، شیراز ، تهران و ... فی نفسه ویژگیهای مثبت و منفی دارد.

پس از پیروزی انقلاب مسایلی مانند اختصاص خوابگاه ویژه متاهلین ، عدم اشراف خوابگاه های دختران و پسران بهم ؛ افزایش دانشجوی ، جذاب نبودن محیط خوابگاه ها و عدم استفاده از اصول علمی بهسازی محیطی برای پرکردن و مفیدنمودن اوقات دانشجوی نمود بیشتری یافته است . برخی خوابگاه های محدود طی دهه هشتاد و هفتاد با الهام از مدل حیات مرکزی ساخته شده اند که معماری روحناوزی دارند. در مقابل به علت مهاجرت دانشجوی به شهر دانشگاهی ، برخی از دانشگاهها ناگزیر اقدام به اجاره فضاهای غیرخوابگاهی و تبدیل آن به خوابگاه نموده اند. عموماً این خوابگاه بیشتر خوابگاه است تا خوابگاه ! چرا که اندک بودن سرویسهای بهداشتی ، نامناسب بودن حمامها و فضاهای استحمام، موقعیت نامناسب شهری ، نقشه ها و پلانهای نامتناسب با کاربری خوابگاهی ، اشرافیت و شفافیت بیش از حد نماها و ایجاد مزاحمت برای اهالی همسایه ، باعث شده تا دانشجوی جوان دختر یا پسر در محیطی شلوغ و نامناسب و با معماری فاقد کارایی ، نتواند محیط را تحمل کند و با محیط کنار بیاید . احساس نیاز به هم صحبت ، احساس غریبه بودن و فقدان نظارت اجتماعی و ... هم به عنوان عواملی خارجی باعث میشوند تا فقدان کیفیت محیط معماری دانشجوی را در معرض بزه یا آسیبهای اجتماعی قرار دهد.

خواستههای از یک محیط دانشگاهی موفق:

بنا به شرایط فعلی جامعه ، عموماً جوانان قبل از ازدواج به دانشگاه راه می یابند. اختلاط دختر و پسر در محیطهای دانشگاهی که بصورت صحیح و اصولی راهی برای ورود آنان به جامعه تلقی میگردد در فقدان الگوی مناسب این فرصت را تبدیل به تهدید میکند. برخوردهای خشن و سلبی از سوی دیگر باعث میشود تا جوان با آنهمه انرژی ، هشیاری ، بایدگریزی و شایدپذیری ، به دنبال انگیزه بگردد. وضعیت نابهنجار و رفتارهای زیرزمینی و غیرقانونی حتی محیطهای دانشگاهی را آلوده کرده و سالهاست منکراتی مانند مواد مخدر و مشروبات الکلی و یا بزه هایی مانند دزدی و ... دامنگیر محیطهای خوابگاهی شده است.

به نظر میرسد برنده ترین سلاح هر فرد مسلمان ایمان اوست. وشهرهای مسلمان نشین در دوره اوج تمدن اسلامی میتواند به عنوان مأخذی مطمئن راهگشای ما در عرصه فعالیتهای مدیریت شهری باشد. و ره توشه ای برای سوال اصلی ما در این مقاله باشد.

در قرون ۳ تا ۷ هجری قمری شاهد نهضتی هستیم که به شیوه ای ارگانیک تمامی اقشار جامعه را بجای رقابت در پوشاک و خوراک و ... به رقابت در علم میکشاند و ملاک تشخیص امرا و حکام نه داشتن لشکرهای

جرار و شاعران مدیحه سراسرست بلکه حمایت کردن از نخبگان هندسه و ریاضیات و فلسفه و پزشکی و هیئت بوده است.

به همین دلیل هم رقابت بین دربارها برای راضی نمودن دانشمندان جهت تصدی مناسب علمی وجود دارد. رقابت برای تصدی کرسی تدریس در نظامیه ها و منتصریه ها و... بین دانشمندان وجود دارد تا آنجا که برخی علما بخاطر علاقه وافر به تدریس و حضور در عرصه علمی آن دوران با توجه به محدودیتهای برخی دربارها در به رسمیت شناختن تنها یک شاخه مذهبی، حتی مذهب خود را مثلاً از حنفی به مالکی تغییر میدادند.

در همین زمان است که کتابداری کتابخانه های سلطنتی پستی مهم به شمار می آمده است. و هر سلطان به حجم و تعداد کتابهای اهدایی اش به فلان کتابخانه و بهمان نظامیه افتخار میکرده است. در این دوره وقف کتاب رونق به سزایی دارد. و ردو بدل شدن کتاب به سهولت انجام میشود و کتابخانه های مختلف با انواع تسهیلات و خدمات سعی دارند محیط را برای دانشمندان و دانشجویان به محیطی مناسب پژوهش تبدیل کنند. به عنوان مثال، در دوره صدارت خواجه نظام الملک و احتمالاً به فرمان او در بهترین نقطه شمال شهر نیشابور خانه ای زیبا به رئیس مدرسه نظامیه نیشابور تعلق میگیرد.

شهر اسلامی باید تجلیگاه ایدئولوژی اسلامی باشد. اسلام در عین روشنی مواضع اش خیلی آسان و باز با قضایا برخورد میکند. اسلام در گسترش خود به خلاف حکومتهای جبار برخوردی تخریبی ندارد و تنوع خرده فرهنگها در تمدن اسلامی نیز حاصل همین خویشتن داری و سهل گیری است. اما عموماً در مطالعات قریب به موضوع مقاله حاضر متون دینی نگاهی سلبی و ممنوع کننده دارند و کمتر به حوزه پیشنهاد و توصیه قدم گذارده شده است. با این حال به نظر میرسد موارد زیر میتواند به عنوان اصولی راهگشای تولد دانشگاهی بر مبنای نگاه دین مبین باشد.

(۱) هر سایت و مجموعه دانشگاهی می تواند نوعی شهر اسلامی کوچک باشد با این فرض میتوان جانماییهای زیر را پیشنهاد داد:

مسجد جامع ← مسجد دانشگاه

ساختمان حکومتی ← ساختمان مرکزی و اداری

بازار ← سلف، نمایشگاه ها، سالنهای جنبی، کتابفروشی و...

بافت مسکونی. ← خوابگاه ها و فضاهای جنبی از جمله فضاهای بهداشتی و...

قابل یادآوری است که در برخی شهرهای اسلامی این الگو در قالب شهر شعاعی پیاده شده است که قابل بهره برداری و اقتباس برای پردیسهای دانشگاهی نیز هست.

(۲) حضور انسانهای مومن نقش بسیار مهمی در معنویت فضاها دارد. حتی شهرسازان غربی هم بر حضور انسان به عنوان یکی از مهمترین عوامل سازنده و معنادهنده فضا تاکید دارند.

(۳) مساجد دانشگاهی بخاطر نیازهای ویژه شان بهتر است از سالنهای مدرن جنبی بهره بگیرند.

(۴) تمهیدات تخصصی معماری در روح پلان و نقشه بسیار در مطلوب ما و انسانی و فطری بودن بنا موثر است. تناسبات راهروها، زوایای شکستهای فرمهای ساختمانی، خوانایی فضا، تزئینات، تعریف منظر از درون به بیرون و بالعکس، تعریف نورروز و شب و همه عوامل ریز مشابه باید با هدف تاثیر گذاری آیه وار نقش ذکر و یادآوری را برای مخاطب اعم از دانشجو، استاد و کارمند ایفا نماید.

مآخذ:

- بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی. سعیدی رضوانی عباس. بنیاد پژوهشهای اسلامی. ۱۳۷۲
- تاریخ مدارس ایران. سلطانزاده حسین
- تاریخ کتابخانه های مساجد. مکی سباعی محمد. ترجمه عباسپور مهدوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۳۷۳
- آثار ایران. گدار آندره. ترجمه سروقد مقدم ابوالحسن. بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۳۷۱
- آشنایی با معماری اسلامی ایران. پیرنیا کریم. دانشگاه علم و صنعت. ۱۳۷۴